



Exploring the Indicators of an Ideal Model for Adolescents' Religious Education: A Qualitative Study

Molod Nili¹, Ali HosseiniMehr^{*2}, Ahmad Salahshoori³

¹ Department of Educational Science, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

² Department of Psychology Educational Science, Tak.C., Islamic Azad University, Takestan, Iran

³ Department of Philosophy of Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

* Corresponding author: HosseiniMehr @iau.ac.ir

Received: 2026-02-23

Accepted: 2026-03-14

Publication: 2026-03-20

Abstract

This study aimed to explore the indicators of an ideal model for adolescents' religious education from the perspective of stakeholders' lived experiences using a qualitative approach. The present study was qualitative, utilizing an Interpretative Phenomenological Analysis approach. Participants included 60 key stakeholders (13 religious education specialists, 17 teachers, 15 parents, and 15 adolescents aged 14-18) in Qazvin city, selected through purposive sampling until theoretical saturation was reached. Data were collected via semi-structured interviews and analyzed using thematic analysis. Data analysis led to the extraction of 6 organizing themes: revising and reforming religious curricula to align with contemporary conditions; employing interactive and dialogue-based teaching-learning methods; creating supportive environmental and family contexts; teacher modeling and professional development; emphasizing functional and affective evaluation; and aligning the curriculum with the characteristics of Generation Z. The findings indicated that an ideal model for religious education should be dynamic, context-sensitive, rational, and based on human agency to transform imitative faith into reflective and resilient faith. This model aligns with the theoretical foundations of Bagheri (human agency) and Fowler (stages of faith) and can serve as a basis for educational policymaking, curriculum planning, and family interventions. It is recommended that curricula be revised, interactive methods be strengthened, and the evaluation system shift towards practical assessment.

Keywords: Adolescents, Educational indicators, Generation Z, Religious education

© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: HosseiniMehr, A & et al. (2026). Exploring the Indicators of an Ideal Model for Adolescents' Religious Education: A Qualitative Study. *JNACE*, 7(4): 207-223.





واکاوی شاخص های الگوی مطلوب تربیت دینی نوجوانان : یک مطالعه کیفی

مولود نیلی^۱، علی حسینی مهر^{۲*}، احمد سلحشوری^۳

^۱ گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

^۲ گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

^۳ گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: HosseiniMehr @iaui.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

چکیده

هدف این پژوهش، واکاوی شاخص های الگوی مطلوب تربیت دینی نوجوانان از منظر تجربیات زیسته ذی نفعان با رویکرد کیفی بود. پژوهش حاضر از نوع کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. شرکت کنندگان شامل ۶۰ نفر از ذی نفعان کلیدی (۱۳ متخصص تربیت دینی، ۱۷ معلم، ۱۵ والد و ۱۵ نوجوان ۱۴-۱۸ ساله) در شهر قزوین بودند که با نمونه گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع آوری و با روش تحلیل مضمون بررسی شدند. تحلیل داده ها منجر به استخراج ۶ مضمون سازمان دهنده شد: اصلاح و بازنگری برنامه های درسی دینی متناسب با شرایط روز، بکارگیری روش های یاددهی-یادگیری تعاملی و گفتگومحور، بستر سازی محیطی و خانوادگی، الگوسازی و توسعه حرفه ای معلمان، برجسته سازی ارزیابی عملکردی و عاطفی، و متناسب سازی برنامه درسی با ویژگی های نسل زد. یافته ها نشان داد الگوی مطلوب تربیت دینی باید پویا، زمینه مند، عقلانی و مبتنی بر عاملیت انسانی باشد تا ایمان تقلیدی را به ایمان تأملی و مقاوم تبدیل کند. این الگو با مبانی نظری باقری (عاملیت انسانی) و Fowler (1981) (مراحل ایمان) همخوانی دارد و می تواند مبنایی برای سیاست گذاری آموزشی، برنامه ریزی درسی و مداخلات خانوادگی باشد. پیشنهاد می شود برنامه های درسی بازنگری، روش های تعاملی تقویت و نظام ارزشیابی به سمت ارزیابی عملی تغییر یابد.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، شاخص های تربیتی، نسل زد، نوجوانان

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شیوه استناد به این مقاله: نیلی، مولود؛ حسینی مهر، علی؛ سلحشوری، احمد. (۱۴۰۴). واکاوی شاخص های الگوی مطلوب تربیت دینی نوجوانان :

یک مطالعه کیفی فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۷(۴): ۲۲۳-۲۰۷.

مقدمه

دوره نوجوانی (تقریباً ۱۴ تا ۱۸ سالگی) یکی از حساس ترین و بحرانی ترین مراحل رشد انسانی است که با تغییرات سریع جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی همراه است و فرد را با بحران هویت روبه رو می سازد (Jackson & Goossens, 2020; Tolibdjanovna, 2024). در این مرحله، نوجوانان به جستجوی معنا، ارزش ها و جهت گیری پایدار در زندگی می پردازند و اغلب با پرسش های بنیادین درباره خود، جهان و

جایگاهشان در هستی مواجه می شوند (Berger, 2024; Sawyer, Azzopardi, Wickremarathne & Patton, 2018). این دوره با افزایش استقلال، تأثیرپذیری از همسالان و رسانه ها، و ظهور تفکر انتزاعی و انتقادی مشخص می شود که می تواند به تقویت یا تضعیف باورهای دینی منجر گردد، بر این اساس تربیت دینی در این دوره حائز اهمیت می شود (Hāj Hosseini, Nāyebi Āstāneh & Cherāgh Malāyi, 2024).

شخصیت دینی متربی را شکل می‌دهد) Rahbar & (Rahīmīyān, 2014).

مبانی نظری تربیت دینی در مکتب اسلام بر پایه قرآن و سنت استوار است و انسان را موجودی فطرتاً توحیدی (روم: ۳۰)، مختار و خلیفه‌الله می‌داند که هدف تربیت، تزکیه نفس (بقره: ۱۲۹) و تعلیم کتاب و حکمت (جمعه: ۲) برای رسیدن به کمال الهی است (باقری، ۱۴۰۱). باقری نوع‌پرست نظریه عاملیت انسانی را مطرح می‌کند و تربیت دینی را فرآیندی پویا می‌بیند که بر «تقوای حضور» (حضور فعال در موقعیت‌های واقعی برای تصمیم‌گیری اخلاقی) تأکید دارد نه تقوای پرهیز (فرار از موقعیت‌ها)؛ این نظریه انسان را عامل پویا در موقعیت‌های زندگی می‌داند که باید عاملیت خود را در مسیر الهی به کار گیرد (باقری، ۱۳۷۹). در دیدگاه غربی، Fowler (1981) نظریه مراحل ایمان را ارائه داد که نوجوانی را دوره گذار از ایمان متعارف مبتنی بر نهاد و اقتدار^۱ به ایمان تأملی و شخصی سازی شده^۲ می‌داند؛ این گذار با تفکر انتزاعی و نقد باورها همراه است و نیاز به حمایت تربیتی دارد تا ایمان عمیق‌تر شود. این مبانی نشان می‌دهند که تربیت دینی باید پویا، زمینه‌مند و مبتنی بر عاملیت باشد تا نوجوان را در بحران هویت مقاوم سازد.

تربیت دینی اسلامی بر جامع‌نگری تأکید دارد و تمام ابعاد وجودی (عقلانی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و جسمانی) را پرورش می‌دهد (Nowzarī, 2024). این رویکرد با تأثیر از فلسفه شرق (مانند هماهنگی با طبیعت در لائوتسه و فضیلت‌محوری کنفوسیوس) و غرب (عقلانیت ارسطویی و وظیفه اخلاقی کانت) غنی شده اما با توحید تکمیل می‌گردد (باقری، ۱۴۰۱). نظریه‌های معاصر مانند و نشان می‌دهند که والدین و مربیان از طریق الگوسازی و سرمایه اجتماعی دینی، رفتارهای مذهبی نوجوانان را شکل می‌دهند (Afzali, 2025). چالش‌های نوجوانی مانند مواجهه با مدرنیته و رسانه‌ها نیاز به رویکردی دارد که ایمان را از حالت تقلیدی به تأملی تبدیل کند (Simsek, Vaara, Paruchuri, 2019; Nadkarni & Shaw, 2019).

Bāqerī (2023) با نقد رویکردهای سنتی، پیشنهاد می‌کند تربیت دینی باید انسان را در موقعیت‌های واقعی به تقوا دعوت کند و از عاملیت برای مقابله با چالش‌ها بهره گیرد و تعادل بین انتقال دانش، پرورش درونی و اخلاق عملی را حفظ نماید. پیشینه پژوهش در حوزه تربیت دینی نوجوانان در ایران عمدتاً بر آسیب‌شناسی و شناسایی چالش‌ها متمرکز بوده است. Yūsufi et al (2024) در پژوهشی نشان دادند که عدم تناسب محتوای درسی با نیازهای رشدی نوجوانان، روش‌های سنتی و یک‌جانبه تدریس، و تأثیر منفی رسانه‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل کاهش انگیزه دینی در این گروه سنی است؛ یافته‌های

تربیت به عنوان فرآیندی نظام‌مند برای پرورش همه‌جانبه ابعاد وجودی انسان (شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی)، در نوجوانی نقش کلیدی ایفا می‌کند زیرا این مرحله پایه شکل‌گیری شخصیت بزرگسالی است (Bāqerī, 2024). تربیت دینی، به ویژه در چارچوب اسلامی، فراتر از انتقال دانش اعتقادی، به پرورش التزام عملی، بصیرت معنوی و تعهد اخلاقی می‌پردازد و نوجوان را در برابر چالش‌های مدرنیته مانند رسانه‌های اجتماعی، کثرت‌گرایی فرهنگی و بحران هویت مقاوم می‌سازد (Khodākaramifard & Khademi, 2025; Dāvūdī, 2014; A'rāfi, 2014). اهمیت تربیت دینی در این دوره از آن جهت است که نوجوانان در حال گذار از ایمان تقلیدی به ایمان تأملی هستند و اگر حمایت نشود، ممکن است به دین‌گریزی، اضطراب معنوی یا رفتارهای پرخطر گرایش یابند (Yūsufi, 2024; Dāfē'īyān, Mālekīpūr, & Shahbāzī, 2024). تربیت دینی مؤثر می‌تواند به تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی، حس تعلق معنوی و سلامت روان کمک کند و نوجوان را به سوی هویت دینی سالم و پویا هدایت نماید (Shamshūrī, Shīrvānī Shīrī, 2021; Zāre'ī, 2021). بنابراین، توجه به تربیت دینی در نوجوانی نه تنها برای رشد فردی، بلکه برای انسجام اجتماعی و فرهنگی جامعه ضروری است و می‌تواند پیشگیری از آسیب‌های هویتی و معنوی نسل جوان را تضمین کند (Nīrūmand, Mohibbī, & Vakīlī, 2021).

تربیت به معنای پرورش و رشد همه‌جانبه انسان در ابعاد جسمانی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی و معنوی است که فرآیندی تعاملی و دوجانبه بین مربی و متربی تا رسیدن به کمال انسانی ادامه دارد (Hajibabaiān Amiri, 2021). در دیدگاه اسلامی، تربیت فعالیت نظام‌مندی است که انسان را بر اساس فطرت توحیدی (روم: ۳۰) به سوی قرب الهی و حیات طیبه هدایت می‌کند (باقری، ۱۴۰۱). تربیت دینی، به عنوان زیرمجموعه‌ای از تربیت، به معنای پرورش شخصیت دینی بر پایه آموزه‌های دینی (قرآن و سنت) است که شامل انتقال معارف اعتقادی، احکام و اخلاق اسلامی، و ساختن التزام عملی به ارزش‌های دینی می‌شود (داوودی و اعرافی، ۱۳۹۶). در متون غیر اسلامی تربیت دینی به عنوان فرآیند پرورش باورها، رفتارها و نگرش‌های مذهبی تعریف می‌شود که هدف آن داخلی‌سازی ارزش‌های دینی و تقویت هویت مذهبی است (Smith & Denton, 2005). در اسلام، تربیت دینی فراتر از آموزش، به تزکیه نفس، تعلیم حکمت و پرورش ایمان عملی تأکید دارد و هدف آن ایجاد انسان کامل متعهد به خدا و جامعه است بنابراین، تربیت دینی ترکیبی از تعلیم (دانش) و تربیه (پرورش درونی) است که

با تحولات سریع فرهنگی، نفوذ رسانه‌های دیجیتال و مواجهه نوجوانان با بحران هویت، ضرورت تدوین الگویی پویا، چندبعدی و مبتنی بر عاملیت انسانی (Bāqerī, 2023) بیش از پیش احساس می‌شود. این الگو باید مبانی توحیدی اسلام را با نیازهای روان‌شناختی نوجوانی و مراحل ایمان ترکیب کند تا هویت دینی سالم و مقاوم شکل گیرد. مطالعه حاضر به دنبال پر کردن این شکاف است تا شاخص‌های الگوی مطلوب را شناسایی و چارچوبی برای سیاست‌گذاری آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و مداخلات خانوادگی ارائه دهد. اهمیت این پژوهش در تقویت سلامت روان نوجوانان، پیشگیری از آسیب‌های هویتی و معنوی، کاهش دین‌گریزی و ارتقای تاب‌آوری در برابر چالش‌های مدرن نهفته است. همچنین، این مطالعه می‌تواند به انسجام فرهنگی-اجتماعی جامعه ایرانی کمک کند و پایه‌ای برای توسعه پایدار تعلیم و تربیت اسلامی از دوران کودکی تا نوجوانی فراهم آورد و ضرورت آن در پر کردن خلأ نظری-عملی و ارائه شواهد تجربی برای برنامه‌ریزی‌های کلان آموزشی است که می‌تواند به پرورش نسلی متعهد به ارزش‌های اسلامی-ایرانی در مواجهه با جهانی‌شدن منجر شود (Khodākaramifard & Khademi, 2025; Nowzarī, 2024). با توجه به تمهیدات یاد شده پژوهش حاضر به دنبال ارائه الگوی مطلوب تربیت دینی برای نوجوانان مبتنی بر بافت فرهنگی ایران است.

روش پژوهش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان

در پژوهش حاضر از رویکرد کیفی با روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد که بر درک عمیق تجربیات زیسته و معانی شخصی شرکت‌کنندگان از پدیده آسیب‌های تربیت دینی تمرکز دارد (Smith & Smith, 2018). میدان پژوهش این مطالعه، مدارس دوره متوسطه دوم (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) شهر قزوین به عنوان محیط اصلی تعامل آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان بود که در سال ۱۴۰۳ انجام شد؛ این میدان به دلیل تمرکز پژوهش بر آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان نوجوان در مرحله حساس شکل‌گیری هویت دینی و مواجهه با چالش‌های نوجوانی انتخاب گردید.

مشارکت‌کنندگان پژوهش به چهار گروه اصلی تقسیم شدند: نخست، متخصصان و صاحب‌نظران شامل ۱۳ نفر از اعضای هیئت علمی و مدرسان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهرهای قزوین و اراک بودند که عمدتاً در رشته‌های علوم تربیتی (۵ نفر)، روانشناسی (۳ نفر)، مشاوره (۲ نفر)، معارف اسلامی (۲ نفر) و فلسفه (۱ نفر) فعالیت داشتند و دارای مرتبه

آنها بر ضرورت بازنگری برنامه‌های درسی تأکید داشت. به‌طور مشابه، کاویانی و نوروزی (۱۳۹۸) گزارش کردند که تضاد ارزش‌های حاکم در خانه و مدرسه، همراه با ضعف الگوسازی خانوادگی، به گسست ارتباطی عوامل تربیتی منجر می‌شود و این امر تاب‌آوری معنوی نوجوانان را کاهش می‌دهد. (Khodākaramifard & Khademi, 2025) نیز در مطالعه‌ای کیفی دریافتند که عوامل فردی مانند تردیدهای انتقادی و بیداری غریزی، در کنار عوامل اجتماعی نظیر همدلی با همسالان سکولار و فضای مجازی، به کاهش گرایش دینی و افزایش اضطراب معنوی در نوجوانان دامن می‌زند؛ آنها پیشنهاد کردند که رویکردهای تربیتی باید بر تقویت بصیرت انتقادی تمرکز کنند. (Shamshīrī et al, 2021) در پژوهشی نشان دادند که عوامل آسیب‌زا و موانع تربیت دینی عبارتند از عوامل مربوط به مسئولان و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و عوامل مربوط به فرایند برنامه‌درسی (نیازسنجی، اهداف، محتوا، روش، معلم، فراگیر، زمان، مکان، ارزشیابی (Samadi, 2022)). در پژوهش دیگری مشخص نمود که ضعف سیاست‌گذاری تربیتی، کارآمد نبودن جو تربیت اخلاقی و عاطفی، آرمان‌گرایانه بودن و انعطاف ناپذیری اهداف، عدم تناسب با نیاز، فعال و کاربردی نبودن برنامه‌های تربیتی، ضعف روش‌های تبیینی و اجرایی، ضعف ویژگی شخصیتی، دانش تخصصی، باورهای دینی، دانش و تعهد حرفه‌ای معلمان، و عدم مدیریت فضای مجازی از چالش‌های تربیت دینی است. در سطح بین‌المللی نیز، Simsek et al (2019) تأکید کردند که مواجهه نوجوانان مسلمان با مدرنیته و کثرت‌گرایی فرهنگی می‌تواند به گذار از ایمان تقلیدی به تردید منجر شود، مگر آنکه حمایت‌های تربیتی زمینه‌مند ارائه گردد. با وجود این پیشینه غنی آسیب‌شناختی، پژوهش‌های مثبت‌گرا و الگومحور کمتر به چشم می‌خورند و عمدتاً به توصیف مشکلات پرداخته‌اند تا استخراج شاخص‌های مطلوب و عملی (Ebrahimi, 2020; Kiapey & Amerian, 2020).

با وجود پیشینه غنی آسیب‌شناختی، خلا عمده‌ای در واکاوی شاخص‌های الگوی مطلوب تربیت دینی نوجوانان از منظر تجربیات زیسته ذی‌نفعان (متخصصان، معلمان، والدین و نوجوانان) با رویکرد کیفی عمیق پدیدارشناختی مشاهده می‌شود. غالب پژوهش‌ها آسیب‌محور یا کمی هستند و کمتر به استخراج شاخص‌های مثبت، عملی و بومی بر پایه تفسیرهای شخصی و زمینه‌ای پرداخته‌اند (Shamshīrī et al, 2021; Fowler, 1981; Ebrahimi Kiapey & Amerian, 2020). مطالعات موجود اغلب مشکلات را توصیف می‌کنند اما الگویی جامع و قابل اجرا برای بهبود تربیت دینی پیشنهاد نمی‌دهند (Kāviānī & Nūrūzī, 2019; Yūsufī, 2024). در شرایط معاصر ایران

علمی دانشجویی (۴ نفر)، استادیاری (۷ نفر) یا دکتری بدون مرتبه مشخص (۲ نفر) بودند؛ این گروه به دلیل تخصص در حوزه تربیت، مشاوره و معارف دینی انتخاب شدند تا دیدگاه‌های عمیق و کارشناسی ارائه دهند. دوم، معلمان شامل ۱۷ نفر از دبیران و مشاوران شاغل در مدارس متوسطه دوم شهر قزوین بودند که ۱۳ نفر مرد و ۴ نفر زن بودند و سطح تحصیلات آن‌ها عمدتاً کارشناسی ارشد (۱۰ نفر)، کارشناسی (۶ نفر) و دکترا (۱ نفر) بود؛ رشته تحصیلی اکثر آنها علوم تربیتی (۱۳ نفر) بود و سایرین در الهیات و مشاوره تحصیل کرده بودند. این گروه به عنوان مجریان مستقیم فرآیند تربیت دینی در محیط مدرسه نقش کلیدی داشتند. سوم، والدین دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شامل ۱۵ نفر (۸ مرد و ۷ زن) بودند که سطح تحصیلات آن‌ها متنوع شامل دکترا (۳ نفر)، کارشناسی ارشد (۲ نفر)، کارشناسی (۶ نفر) و دیپلم (۲ نفر) بود و رشته‌های تحصیلی پراکنده‌ای مانند علوم تربیتی (۴ نفر)، حقوق، الهیات، مهندسی صنایع، روانشناسی، عمران، زبان انگلیسی، ادبیات عرب و مشاوره داشتند؛ این گروه به عنوان تأثیرگذارترین عامل خانوادگی در تربیت دینی فرزندان انتخاب شدند. چهارم، دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم بودند، در این گروه، توزیع جنسیتی شامل ۷ دختر (۴۶٫۶۷٪) و ۸ پسر (۵۳٫۳۳٪) بود که از چندین کلاس و مقطع تحصیلی مختلف شهر قزوین انتخاب شدند تا تنوع تجربیات زیسته را پوشش دهند. روش نمونه‌گیری در تمام گروه‌ها هدفمند ملاکی بود؛ به این معنا که مشارکت‌کنندگان بر اساس معیارهای از پیش تعیین‌شده (مانند سابقه فعالیت مرتبط، حضور در محیط پژوهش، دسترسی و توانایی بیان تجربیات) انتخاب شدند و فرآیند تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت، که در آن داده‌های جدید تکراری و فاقد اطلاعات نو بودند.

ب) روش اجرا

برای اجرای پژوهش ابتدا از دانشگاه محل تحصیل جهت انجام پژوهش به اداره کل آموزش و پرورش استان قزوین معرفی‌نامه رسمی اخذ شد. این معرفی‌نامه شامل تأیید موضوع پژوهش با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم با رویکرد پدیدارشناسی به منظور ارائه الگوی مناسب» بود. پس از دریافت معرفی‌نامه، پژوهشگر شخصاً به اداره آموزش و پرورش شهر قزوین مراجعه کرد و با معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی جلسه حضوری برگزار نمود. در این جلسه، اهداف پژوهش به طور کامل توضیح داده شد؛ تأکید گردید که پژوهش به دنبال شناسایی آسیب‌های واقعی و تجربیات زیسته دانش‌آموزان، معلمان، والدین و متخصصان در

حوزه تربیت دینی است و هیچ‌گونه ارزیابی منفی از عملکرد افراد یا مدارس را در بر ندارد. پس از بحث و بررسی و پاسخ به سؤالات مسئول مربوطه در مورد ملاحظات اخلاقی، محرمانگی اطلاعات، و عدم تداخل با برنامه‌های آموزشی، نامه ورود به مدارس دوره متوسطه دوم شهر قزوین صادر گردید. این نامه رسمی به پژوهشگر اجازه می‌داد تا با هماهنگی مدیران مدارس، مصاحبه‌ها را انجام دهد.

پژوهشگر فهرستی از مدارس دوره متوسطه دوم (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم) شهر قزوین تهیه کرد و با تماس تلفنی یا مراجعه حضوری به مدیران چندین مدرسه، تمایل آن‌ها به همکاری را جویا شد. در نهایت، دو مدرسه (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) که مدیران، معاونان، پرورشی و معلمان آن‌ها تمایل و آمادگی کامل برای همکاری نشان دادند، به عنوان مدارس منتخب نهایی انتخاب شدند. این انتخاب بر اساس دسترسی آسان، تنوع جنسیتی (یک مدرسه دخترانه و یک پسرانه)، و حمایت مدیران از فرآیند پژوهش صورت گرفت تا نماینده مناسبی از محیط آموزشی شهر قزوین باشد. پس از دریافت مجوز کتبی از مدیران مدارس منتخب، هماهنگی‌های لازم برای ورود به مدارس انجام شد؛ زمان‌بندی مصاحبه‌ها با توجه به برنامه درسی و آزمون‌های دانش‌آموزان تنظیم گردید تا کمترین اختلال در فعالیت‌های آموزشی ایجاد شود. در مرحله بعدی، با هماهنگی معاون پرورشی و مشاوران مدارس، فهرستی از دانش‌آموزان واجد شرایط (دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم با تنوع پایه تحصیلی و جنسیت) تهیه گردید. معیارهای ورود شامل داشتن حداقل یک سال تجربه در مدارس متوسطه دوم، توانایی بیان تجربیات، و رضایت والدین بود. در مجموع، ۱۵ دانش‌آموز و والدین (۱۵ والد) برای مصاحبه انتخاب شدند. همچنین، ۱۷ معلم و مشاور (شامل دبیران، معلمان پرورشی و مشاوران تحصیلی) که تجربه مستقیم در فرآیند تربیت دینی داشتند، شناسایی و دعوت به همکاری شدند. مصاحبه‌ها با یک سؤال کلی و باز آغاز می‌شد که عبارت بود از: «اصلی‌ترین آسیب‌هایی که ما در حوزه تربیت دینی یا حالا مشخصاً تربیت اسلامی داریم، فکر می‌کنید چه چیزهایی هست؟» این سؤال به گونه‌ای طراحی شده بود که مشارکت‌کنندگان بتوانند بدون محدودیت و فشار، تجربیات زیسته، مشاهدات و احساسات خود را بیان کنند و پژوهشگر را به سمت ابعاد مختلف پدیده هدایت نمایند. پاسخ‌های اولیه معمولاً گسترده بودند و شامل مواردی مانند عدم تناسب محتوا با نیازهای نوجوانی، تأثیر رسانه‌های اجتماعی، روش‌های تدریس سنتی، تضاد بین ارزش‌های خانوادگی و مدرسه‌ای، کاهش انگیزه دینی، و چالش‌های

تماس تلفنی یا در برخی موارد دیدار حضوری در دانشگاه انجام گردید. در پیام اولیه، خلاصه‌ای دقیق از مسئله پژوهش (آسیب‌شناسی تربیت‌دینی در دوره متوسطه دوم)، اهمیت آن در شرایط فرهنگی-اجتماعی کنونی ایران، روش پدیدارشناختی تفسیری، و هدف نهایی ارائه الگوی مناسب برای بهبود تربیت اسلامی ارائه شد. همچنین، تأکید گردید که مشارکت کاملاً داوطلبانه است و نتایج پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی و تربیتی مفید باشد. از میان استادانی که پاسخ مثبت دادند و تمایل به شرکت نشان دادند (در نهایت ۱۳ نفر از دانشگاه‌های مذکور)، مصاحبه انجام شد. برای هماهنگی مصاحبه با این گروه، زمان و مکان مناسب با توجه به برنامه کاری استادان تنظیم گردید؛ برخی مصاحبه‌ها به صورت حضوری در دفتر کار استادان انجام شد و برخی دیگر به دلیل محدودیت زمانی یا فاصله جغرافیایی، به صورت آنلاین از طریق پلتفرم‌های معتبر مانند یا گوگل میت برگزار گردید.

مصاحبه‌ها با همان سؤال کلی آغاز می‌شدند: «اصلی‌ترین آسیب‌هایی که در حوزه تربیت دینی یا تربیت اسلامی دانش‌آموزان متوسطه دوم مشاهده می‌کنید، چه هستند؟» این سؤال باز به استادان اجازه می‌داد تا از منظر نظری و تجربی آکادمیک خود وارد بحث شوند. با توجه به تخصص هر استاد، سؤالات بعدی عمیق‌تر و مفهومی‌تر طرح می‌شدند. سؤالات از پیش تدوین‌شده نیز در این گروه بیشتر و با عمق نظری بیشتری مورد استفاده قرار گرفتند، زیرا متخصصان تمایل به بحث مفهومی، انتقادی و پیشنهادهای ساختاری داشتند. مصاحبه‌ها معمولاً طولانی‌تر بودند (بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه) و به تحلیل‌های عمیق‌تر، مقایسه دیدگاه‌های سنتی و مدرن، و پیشنهادهای سیستمی منجر شدند. این مرحله به پژوهش عمق نظری بخشید و امکان مقایسه دیدگاه‌های عملی و تجربی (از معلمان، والدین و دانش‌آموزان) با دیدگاه‌های نظری و کارشناسی را فراهم کرد. در پایان هر مصاحبه، از استادان تشکر به عمل آمد و در صورت تمایل، امکان دریافت خلاصه یافته‌ها یا نسخه نهایی پژوهش اعلام گردید. این رویکرد باعث شد تا داده‌های جمع‌آوری‌شده از متخصصان، پایه محکمی برای تکمیل تحلیل و استخراج مضامین فراگیر فراهم آورد.

مصاحبه‌ها از معلمان، والدین و استادان به صورت حضوری و آنلاین انجام شد؛ مصاحبه‌های حضوری در اتاق‌های مشاوره مدارس، دفاتر دانشگاهی استادان صورت گرفت و مصاحبه‌های آنلاین برای تسهیل حضور استادان دورتر یا در زمان‌های محدود استفاده شد. مصاحبه از دانش‌آموزان به صورت

هویتی در دوره نوجوانی می‌شد. بر اساس پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، سؤالات بعدی به صورت پویا و نیمه‌ساختاریافته طرح می‌شدند؛ برای مثال، اگر دانش‌آموزی به «بی‌فایده بودن درس دینی» اشاره می‌کرد، سؤالاتی مانند «چه چیزی باعث می‌شود این درس را بی‌فایده بدانید؟» یا «آیا تجربه خاصی از کلاس دینی دارید که این احساس را تقویت کرده باشد؟» دنبال می‌شد. علاوه بر این، برخی سؤالات از پیش با پیشنهاد استاد راهنما و مشاور تدوین شده بودند و در جریان مصاحبه در موارد مناسب و مرتبط پرسیده می‌شدند. از مهم‌ترین این سؤالات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) مهم‌ترین موانع در انتقال مؤثر مفاهیم دینی به دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم چیست؟ (این سؤال برای شناسایی موانع ساختاری، محتوایی و روش‌شناختی کلیدی بود و اغلب به بحث درباره برنامه درسی و روش‌های تدریس منجر می‌شد؛ (۲) چگونه محتوای فعلی کتاب‌های دینی را از نظر تناسب با نیازهای معنوی و فکری دانش‌آموزان ارزیابی می‌کنید؟ چه کاستی‌هایی مشاهده می‌کنید؟ (این سؤال مستقیماً به آسیب‌شناسی محتوای آموزشی می‌پرداخت و پاسخ‌های غنی از معلمان و دانش‌آموزان به دست می‌آمد؛ (۳) چه عواملی باعث کاهش انگیزه دانش‌آموزان در یادگیری درس‌های دینی می‌شود؟ (این سؤال عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی را کاوش می‌کرد و اغلب به بحث درباره رسانه‌ها، همسالان و خانواده منجر می‌شد؛ (۴) نقش معلم در مواجهه با تردیدها یا سؤالات انتقادی دانش‌آموزان درباره مسائل دینی چیست؟ آیا موانعی در این زمینه وجود دارد؟ (این سؤال نقش تسهیل‌گری معلم را برجسته می‌کرد و تجربیات واقعی معلمان را آشکار می‌ساخت؛ (۵) چه پیشنهادهایی برای طراحی الگویی مناسب جهت بهبود آموزش دینی در مدارس دارید؟ مصاحبه‌ها به گونه‌ای هدایت می‌شدند که مشارکت‌کنندگان احساس آزادی کامل در بیان داشته باشند و پژوهشگر تنها به عنوان شنونده فعال، کاوشگر و تسهیل‌کننده عمل کند؛ هیچ‌گونه جهت‌دهی یا پیشنهاد پاسخ از سوی پژوهشگر صورت نمی‌گرفت. در مجموع، این رویکرد نیمه‌ساختاریافته امکان دستیابی به اشباع نظری را فراهم کرد. پس از تکمیل مصاحبه‌ها در مدارس و با والدین و دانش‌آموزان، مرحله بعدی به مصاحبه با متخصصان و صاحب‌نظران اختصاص یافت. ابتدا موضوع و اهداف پژوهش با استادان و مدرسان مدعو از گروه‌های علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی، معارف اسلامی و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی شهرهای قزوین و اراک در میان گذاشته شد. این ارتباط اولیه از طریق ایمیل رسمی،

حضور و صرفاً در اتاق مشاوره مدرسه انجام شد تا محیطی امن، محرمانه، بدون حضور افراد دیگر و دور از فشار همسالان یا معلمان ایجاد شود و دانش‌آموزان بتوانند آزادانه تجربیات شخصی خود را بیان کنند. تمام مصاحبه‌ها با اجازه صریح و آگاهانه مصاحبه‌شوندگان انجام شد؛ پیش از شروع هر مصاحبه، فرم یا توضیح شفاهی رضایت آگاهانه ارائه گردید که شامل اهداف پژوهش، روش مصاحبه، اختیاری بودن مشارکت، حق انصراف در هر مرحله بدون پیامد، حفظ کامل گمنامی (عدم ذکر نام، مدرسه یا مشخصات شناسایی‌کننده)، محرمانه ماندن اطلاعات، و امکان دریافت نتایج مرتبط بود. رضایت کتبی از والدین، معلمان و استادان اخذ شد و برای دانش‌آموزان زیر ۱۸ سال، رضایت والدین نیز ضروری بود. پس از تأیید رضایت، مصاحبه با دستگاه ضبط صوتی دیجیتال یا اپلیکیشن موبایل با کیفیت بالا ضبط گردید. فایل‌های صوتی بلافاصله پس از پایان هر جلسه به کامپیوتر منتقل و در پوشه‌ای امن و رمزگذاری شده ذخیره شدند. سپس فرایند پیاده‌سازی انجام شد؛ پژوهشگر شخصاً متن مصاحبه‌ها را کلمه به کلمه پیاده کرد و در موارد طولانی، از دستیار آموزش‌دیده و مورد اعتماد (با رعایت محرمانگی) کمک گرفت. پس از پیاده‌سازی، متن چندین بار مرور و ویرایش شد تا اشتباهات شنیداری، ابهامات زبانی یا جملات ناقص برطرف گردد؛ همچنین یادداشت‌های حاشیه‌ای شامل لحن صدا، مکث‌های معنادار، احساسات بیان‌شده و زمینه‌های فرهنگی اضافه شد تا در تحلیل بعدی مفید باشد. در نهایت، فایل‌های صوتی پس از تکمیل پیاده‌سازی و تأیید صحت متن، حذف شدند تا اصل محرمانگی رعایت گردد و تنها متن‌های ناشناس برای تحلیل باقی بماند. این فرایند دقیق و مرحله‌به‌مرحله تضمین کرد که داده‌ها معتبر، بدون تحریف و کاملاً آماده برای ورود به مرحله تحلیل مضمون و کدگذاری باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه، از تحلیل مضمون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر الگوی مطلوب تربیت دینی احصا شده از مصاحبه‌ها

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی دینی متناسب با شرایط روز	نیاز به بازنگری و مسئله‌محور شدن محتوای درسی، فعالیت محور کردن برنامه‌های درسی دینی، پررنگ کردن فعالیت‌های فوق برنامه، تناسب با نیاز یادگیرندگان، نیاز به اصلاح محتوای درسی و تغییر رویکرد آموزشی، تدوین محتوای جذاب و عقلانی، به روز کردن درس دین و زندگی، بکارگیری محتواهای متناسب با شرایط امروزی، بکارگیری داستان‌های مرتبط به زندگی دانش‌آموز، فاصله گرفتن از دانش‌های صرف دینی، ارائه دانش‌های دینی مرتبط با زندگی دنیوی، پررنگ کردن محتوای دینی مرتبط با مهارت‌های زندگی،

پس از تحلیل مصاحبه‌ها، ۶ مضمون سازمان‌دهنده و ۵۹ مضمون پایه استخراج شده که مضمون‌های سازمان‌دهنده شامل اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی دینی متناسب با شرایط روز، بکارگیری روش‌های یاددهی یادگیری تعاملی و گفتگو محور؛ بسترسازی محیطی/ خانوادگی برای تربیت دینی؛ الگوسازی و توسعه حرفه‌ای معلمان؛ برجسته‌سازی ارزیابی عملکردی/ عاطفی در برنامه درسی تربیت دینی، متناسب سازی برنامه درسی با یادگیرندگان نسل زد استخراج شد. ارزیابی کیفیت داده‌ها و یافته‌ها با استفاده از چهار معیار اعتمادپذیری پیشنهادی (Lincoln 1985) شامل اعتبار^۳، تأییدپذیری^۴، اطمینان‌پذیری^۵ و قابلیت انتقال‌پذیری انجام شد که معادل‌های کیفی معیارهای کمی اعتبار داخلی، عینیت، پایایی و قابلیت تعمیم هستند؛ برای دستیابی به اعتبار، پژوهشگر از درگیری مداوم با داده‌ها، مثلث‌سازی منابع (متخصصان، معلمان، والدین و نوجوانان)، چک کردن عضو^۶ با مشارکت کنندگان، نظارت اساتید و ثبت بازتابی پیش‌فرض‌ها بهره برد تا یافته‌ها دقیقاً تجربیات زیسته را بازتاب دهند. تأییدپذیری با مستندسازی دقیق تمام مراحل، ثبت پیش‌فرض‌ها، تمرکز بر نقل‌قول‌های مستقیم و ایجاد پرونده کامل پژوهش تضمین شد تا یافته‌ها از داده‌ها ناشی شوند نه تعصبات پژوهشگر. اطمینان‌پذیری از طریق نظارت همکاران متخصص، بررسی کدگذاری‌ها توسط شخص ثالث و ثبت گام‌به‌گام فرایند برای امکان تکرار و شفافیت تفسیری دوگانه تأمین گردید. در نهایت، قابلیت انتقال‌پذیری با نمونه‌گیری هدفمند متنوع، توصیف غنی زمینه پژوهش (مدارس قزوین در ۱۴۰۳، ویژگی‌های فرهنگی ایران) و جزئیات کافی از شرکت‌کنندگان و فرایند فراهم شد تا خوانندگان بتوانند کاربرد یافته‌ها را در زمینه‌های مشابه ارزیابی کنند؛ این معیارها در تحلیل مضمون و پدیدارشناسی به‌طور گسترده پذیرفته شده و کیفیت و اعتبار نتایج پژوهش را تقویت کردند. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر الگوی مطلوب تربیت دینی احصا شده از مصاحبه‌ها در جدول ۱ گزارش شده است.

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
شاخص‌های الگوی مطلوب تربیت دینی	بکارگیری روش‌های یاددهی یادگیری تعاملی و گفتگو محور	ضرورت گفتگومحوری در فرایند تربیت دینی، بکارگیری شیوه‌های گفتگومحوری، تاملی بار آوردن یادگیری، توجه به روش‌های مهارتی/ نمایشی و فعالیت‌محور، استفاده از روش‌های خلاقانه مانند نمایش و ایفای نقش، نیاز به عقلانیت و پرسشگری در تربیت دینی، ضرورت تغییر رویکرد آموزشی، تعامل فعال در فرایند آموزش دینی، استفاده از فیلم و رسانه‌های جدید برای انتقال دانش دینی، استفاده از محتوای دیجیتال و تصویری برای فهم مطالب دینی، گفتگومحوری در فرایند آموزش، برجسته‌سازی شیوه‌های تربیت عقلانی در آموزش مطالب دینی
	بسترسازی محیطی/ خانوادگی برای تربیت دینی	نیاز به آگاهی‌بخشی والدین، نیاز به آموزش و آگاهی در فضای مجازی، نیاز به تخصص و آموزش در فضای مجازی، نیاز به استفاده از رسانه‌های نوین برای تربیت دینی، افزایش مشارکت‌های مردمی، نیاز به هماهنگی بین نهادهای مختلف، نیاز به خلاقیت و نوآوری در رسانه و فضای مجازی، تشویق برای حضور فعال خانواده‌ها در مراسم‌های دینی، هماهنگ‌سازی بین رسانه‌های رسمی و غیر رسمی در آموزش دین، ارائه الگوهای نظارتی برای والدین، تقویت دانش‌های دینی والدین
	الگوسازی و توسعه حرفه‌ای معلمان	استفاده از معلمان علاقه‌مند در آموزش دین، ارائه آموزش‌های لازم به معلمان متناسب با شبهه‌های دینی، آماده‌سازی معلمان متخصص و متعهد در آموزش، تعاملی برخورد کردن، تعامل صمیمانه معلمان با دانش‌آموزان، بکارگیری معلمان دارای شایستگی حرفه‌ای، استفاده از معلمان دارای منش و اخلاق حرفه‌ای در درس دین و زندگی، تقویت دانش های روانشناختی معلمان پرورشی، الگوسازی و ارتباط موثر معلمان با دانش‌آموزان
	برجسته‌سازی ارزیابی عملکردی/ عاطفی در برنامه درسی تربیت دینی	توجه به ابعاد عاطفی و عملی آموزش دینی، ضرورت توجه به آموزش عملی، توجه به ارزشیابی عملکردی، کم کردن وزن ارزشیابی دانش‌های دینی در کنکور، اهمیت دادن به رفتار یادگیرنده به جای دانش صرف، برجسته‌سازی اخلاق عملی در یادگیرندگان
	متناسب‌سازی برنامه درسی با یادگیرندگان نسل زد	نیاز به برنامه‌های فوق‌برنامه و جذاب، پررنگ شدن سلامت معنوی در بین نسل جدید، توجه به نیازهای دانش‌آموزان نسل جدید، عدم طرح مطالب انتزاعی صرف، عدم طرح مطالبی غیرمتناسب با شرایط زندگی مدرن، درگیرسازی یادگیرندگان نسل جوان با مطالب دینی مرتبط با هویت جدید، بکارگیری شیوه‌های متناسب با یادگیرندگان، توجه به کنشگری به عنوان ویژگی یادگیرندگان جدید در فرایند آموزش، تعامل با یادگیرندگان در شبکه‌های مجازی

معاصر ایران است. در ادامه هر یک از مفاهیم سازمان دهنده
مورد بررسی قرار گرفته است.

اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی دینی متناسب با شرایط روز

یکی از اصلی‌ترین مضامینی استخراج شده از متن مصاحبه‌ها
برای الگوی مطلوب تربیت دینی، اصلاح و بازنگری برنامه‌های
درسی دینی متناسب با شرایط روز بود. در واقع برای بسیاری از
مشارکت‌کنندگان پژوهش، ضرورت اصلاح و بازنگری برنامه
های درسی یکی از نیازهای ضروری برای بهبود تربیت دینی
بود. در همین زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: "برنامه
های درسی دینی ما اگر قرار است که به شرایط جدید بخونه
باید اصلاح بشه. به جای اینکه یه سری احکام خشک و قدیمی
را به عنوان بخش اصلی تربیت دینی قرار بدیم، باید مطالب

جدول ۱ نشان می‌دهد که شاخص‌های الگوی مطلوب تربیت
دینی زیر یک مضمون فراگیر با عنوان «مولفه‌های الگوی
مطلوب تربیت دینی» قرار گرفته و شامل شش مضمون
سازمان‌دهنده است که هر کدام از تعدادی مضمون پایه تشکیل
شده‌اند. این مضامین پایه شامل نیاز به بازنگری مسئله‌محور و
فعالیت‌محور محتوای درسی، گفت‌وگومحوری و استفاده از
روش‌های خلاقانه و رسانه‌ای در آموزش، آگاهی‌بخشی و
هماهنگی خانوادگی و اجتماعی با رسانه‌های نوین، الگوسازی
معلمان متعهد و متخصص با تقویت دانش روان‌شناختی و ارتباط
موثر، توجه به ارزیابی عاطفی-عملی به جای دانش صرف و
کاهش وزن کنکوری، و در نهایت درگیرسازی نسل زد با
برنامه‌های جذاب، غیرانتزاعی و مرتبط با هویت مدرن و
شبکه‌های مجازی است؛ این ساختار نشان‌دهنده رویکرد جامع،
زمینه‌مند و نسل‌محور برای بهبود نظام تربیت دینی در شرایط

مرتبط با زندگی واقعی بچه توش بذاریم. مطالبی توش بذاریم که اقتاع کننده باشه، جوری باشه که بچه ها وارد اینترنت میشن و در شبکه های اجتماعی میشن، از چهار طرف بهشون فشار نیارن که این مشکلات و ایرادات را بتونن ازشون بگیرن. باید روی محکومات دین در کتاب های درسی مانور بدیم". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "نمیشه که با همون مطالب خشک و قالب مند و عمدتا احکام مطالب دینی را ارائه داد. الان فضا عوض شده باید برنامه درسی دینی هم تناسب با همین شرایط اصلاح بشه. من معتقدم باید دست معلم هم باز باشه در فعال کردن این ظرفیت". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "با توجه به تجربه ای که خودم تو این کار دارم به عنوان یک معلم بازنشسته که به هر حال سالیان درازی با دانش آموزان برخورد داشتم، به نظر من در حوزه آموزش و پرورش بحث کتب درسی که سال های قبل به همین منوال بوده و الانم بعد از ۳۰ سال، حضور شما ۵۰ سال حالا خودم به عنوان هم دانش آموز هم معلم تو این حوزه کار کردم به تغییرات اساسی در این کتب درسی نمیبینم یعنی اون چیزی که ما اون زمان خودمون ارائه بکنیم و با توجه به نسل جدید که الان خوب اطلاعات بیشتری دارند به روزترن با فضای مجازی به هر حال ارتباط دارند و به هر حال طرز تربیتشون با نسل گذشته که ما بودیم خیلی فرق میکنه من فکر می کنم باید الان خود سازمان آموزش و پرورش سازمان های به حساب که مدعی هستند که در حوزه تعلیم و تربیت کار می کنند باید یک روش جدیدی رو ارائه بکنن به مطالب جدیدی رو ارائه بکنن که با این روشی که الان هست با این طرز فکری که در افراد هست، در بچه ها هست به مقدار همخوانی داشته باشه، متاسفانه همخوانی وجود نداره".

بنابراین از نظر مشارکت کنندگان برای برنامه درسی مطلوب دینی باید برنامه های درسی اصلاح و بازنگری شده و بر اساس شرایط، محتوای تعامل محور، فعال و عقلانی آن پُررنگ شود.

بکارگیری روش های یاددهی یادگیری تعاملی و گفتگو محور

یکی دیگر از مضامین اصلی مشارکت کنندگان در مورد تربیت دینی مطلوب، بکارگیری روش های یاددهی یادگیری تعاملی و گفتگو محور بود. در واقع از نظر مشارکت کنندگان آموزش تربیت دینی مناسب باید به جای قشری گری و احکام محور، مبتنی بر یک گفتگوی دو طرفه و تعاملی باشد. در همین زمینه یکی از مشارکت کنندگان می گوید: "یکی از کارها به نظرم اینه که شیوه تدریس رو، شیوه تدریس دروس این شکلی باید کاملاً به صورت مباحثه ای باشه، بحث گفتگو باشه فرق داره با دروس

ریاضی و علوم. گاهی وقتا نیاز نیست شما همیشه برنده باشید در سطح دوران مدرسه بچه ها جلوتر هستند نسبت ۱۵ ۲۰ سال پیش که شاید تلقین میشد، این مسیره اما الان آسیب زده تو آموزش دینی اینه که افراد توی دین متاسفانه میخوان خودشون ثابت کنند در صورتی که لازم نیست حتما من معلم هر چی گفتم همون بشه. باید بذاریم بچه ها فکر کنن، تامل کنن". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "ما باید دانش آموز وادار به پرسشگری کنیم یعنی این فرهنگ پرسشگری رو در دانش آموز به وجود بیاریم که دانش آموز بتونه راحت و آزادانه خودش را بدون اینکه سانسور کنه بدون اینکه واهمه و ترس داشته باشد بتونه حرفشو، سوالشو بزنه در برابر من معلم سوال بپرسه حرفشو بزنه به نظر من حالا چیزی که خود من توی کلاس دارم اینه که همیشه معتقدم کلاس من یک فضای بسته است که دانش آموز میتونه راحت سوال بپرسه راحت حرفشو بزنه بدون اینکه استرس اینو داشته باشه این حرف از کلاس خارج نشه چون بچه ها الان به خود سانسوری هایی دارند حالا یا بعضی ها افراد کم روتری هستند خجالتی هستند بعضی ها نگرانند حرفاشون به بیرون نفوذ کنه من فکر میکنم یکی از بهترین کارهایی که میتونیم بکنیم به بچه ها اجازه بدیم خودشون حرفاشون سوال هاشون بیان کنند و ما هم بتونیم تا در حدی که در توانمون و تخصص داریم بهشون پاسخ بدیم".

یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "مهمترین نکته توی تربیت دینی اینه که دانش آموز دانشجو فکر بکنه که میتونه گفتگو بکنه نه تنها میتونه بلکه وظیفه اش راجع به دین باشه منظور اینه خود دانش آموز ما الان بیشترین چیزی که من کیف میکنم الان دانشجوهای جدید نسبت به نسل قدیم اینه که بحث کردن گفتگو کردن به چالش رسوندن چیزها نه تنها حق هر دانشجو و هر انسانی که به بلوغی رسیده بلکه وظیفه هر نفره وظیفه من اینه که برسم به به جایی که راجع به این مسئله به به نتیجه ای برسم این خیلی برای نسل جدید خیلی برای من جذاب تره نسبت به نسل قبلی یعنی اینکه عرض کردم خدمتتون خیلی وقتا در چالش ها سعی میکنم بازم بخاطر چی بخاطر اینکه این تمام احساس نکنند که من به طرفه هستم هرچی رو من تاثیر میدارن و واقعا هم تاثیر میدارن افراد جایی رو دوست دارن که بتونن از خودشون به چیزی نشون بدن وقتی که ما میخوایم بگیم ما ستاره جلسه ایم بقیه بدشون میان سعی می کنم گاهی اوقات این تلاطم ایجاد بشه".

در جای دیگر یکی از مشارکت کنندگان می گوید: "من فکر میکنم معلم باید همیشه آخرین نفر صحبت کنه در حالی که اصلاً اینطوری نیست خیلی وقتا حرفتو میزنی دانشجو مقابله که اتفاقاً مخالف ت هم هست میگم این چالش خیلی کاربردی

دینی بود. در واقع از نظر مشارکت کنندگان کلیدی پژوهش، از آنجایی که سیستم تربیت دینی به صورت رسمی و نیمه رسمی مطرح می شود و نهادهای خانواده، نهادهای دینی و اجتماعی و نهادهای فرهنگی نیمه رسمی سهم مهمی در شکل گیری و الگوی مطلوب تربیت دینی دارند، بسترسازی محیطی یکی از موضوعات مهمی است که میتواند مسیر تربیت دینی را هموار کند. در همین زمینه یکی از مشارکت کنندگان می گوید: "باید فضایی هموار کنیم که والدین هم از تربیت دینی آگاه بشن و بتوانن آنچه در مدرسه میگیریم در حوزه دین رو بپذیرن، من فک میکنم در انجمن اولیا و مربیان باید این مسائل طرح بشه و بتونیم از این مسیر خانواده ها را آماده کنیم". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "سایه سیاست از روی آموزش و دین هم برداشته بشه خیلی پنهان تر نظام باید بیاد دفاع بکنه چون هر جا علم رو دولت بلند بکنه دیگه مشارکت مردمی کلاً ضعیف می شه فرقی نمی کنه هر جایی که باشه طرف میاد میره مثلاً فلان جا کمک میکنه دولت دستش نمیرسه من کمک کنم مشارکت باید یه مقدار از این طریق بیاریم ولی خوب آموزش دین به نظرم اصل قضیه الان اینه که اون مجریانی که باید دین رو آموزش بدم اونها همین بلاهایی که گفتیم سرشون اومده شیوه اجراشون شیوه اجرایی درسته عمدتاً نیست". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید "زمانی که افراد این مسائلی که گفتیم را با دین مرتبط نکنند یعنی که واقعا سیطره سیاست و دین باید یه مقدار زیادی چیز بشه، مستندی بود اسمش نمیدونم جوانمرگ بود در مورد جهاد جهاد سازندگی رو امام ایده جهاد داده بود توی جنگ باعث شد بسیج بشن مردم جنگ مردم را درک کردن دیگه بیایم همین رو توی سازندگی، جهاد سازندگی تا زمانی خوب پیش رفت که مردمی بود، از موقعی که جهاد سازندگی شد یک وزارت خونه بعد شد جهاد کشاورزی ساختار دیگه نابودش کرد، کارش پیش نرفت بحث سر اینه که جایی که مردم جای مشارکت می کنند که دولت خیلی مشارکت نکند خیلی ها میگن چرا مردم خیلی مساجد نمیسازن چون خیلی اعتقاد دارن که دولت خودش کمک داره میکنه محل اشتغال پیدا میکنه برای افراد غیر مستقیم کمک داره میشه دیگه فرق نمیکنه ولی الان بحث اینه که تصویری که مردم دارند اینه که نهادهایی که زیر مجموعه ساختار دولت و حاکمیتن خیلی خودشون درگیر نمیکنن". یکی از مشارکت کنندگان نیز می گوید: "جامعه هم همینطور است صداوسیما در زمینه های تربیتی دینی اگر آگاهی بدهد به بچه ها بالاخره موثر هست در کنار اون حتی تو خود مدرسه معلم هایی که با دانش آموز سرکار دارند تمام عملکردها و رفتارهای معلم در شکل گیری تربیت دانش آموز تاثیر میذاره". بنابراین از متن مصاحبه ها بر می آید که

هست این گفت و گو اینطوری نیستش که آخرش سعی کنی خودت نتیجه بگیری که میگه کلاس بچین بعد شروع کن یه موضوع بحث برانگیز و چالشی راه بنداز وسط، صحبت کنيد صحبتیم که کردن بزار خودشون یکی یکی باهم صحبت کنند شما نظرتو هی وسطش بگو بحث قطع نشه ادامه پیدا کنه، ته تهش ممکنه حتی به نتیجه خاصی هم نرسی ولی فرد در موردش فکر کرده یعنی ما مهمترین چیزی که ما می تونیم یاد بدیم به بچه ها اینکه وظیفه شون اینه که فکر بکنن به چالش حتی اعتقادشون بیان کنند راجع به شیخ طوسی داریم، اصلاً معروفه میگه شیخ طوسی من میخواستم راجع به دینم تحقیق بکنم اول کافر کافر شدم بعد نگاه کردم... آره الان مهمترین کتاب اعتقادی شیعه کتابی هست به نام تجرید الاعتقاد نوشته شیخ طوسی که بعدش شرح تجرید مثلاً علامه حلی گرفته شرح زده برامون اینطوری شروع کنن باید یاد بگیرند". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "من همیشه سر کلاس به بچه ها میگم که ما نمی تونیم از ارتباطات خودمون حالا با افراد دیگه حالا کم کنیم به عبارت دیگر نمیتوانیم خودمون را از فضای مجازی پاک کنیم در فضای مجازی بالاخره اطلاعات و مسائل ضد دینی خیلی تبلیغ می شود. به بچه ها همیشه توصیه می کنم شما میتوانید آن مطالب را ببینید اشکال نداره ولی در کنار اون از مطالب دینی تو فضای مجازی گذاشته شده استفاده کنید هم مطالب منفی هم مطالب مثبت را بخوانید و آنها را کنار هم بگذارید و بر اساس عقل و منطق و اطلاعات خودتون ببینید اون چیزی که درست هست اون رو عمل کنید".

یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "متأسفانه خیلی از همکاران ما هستند در حد کتاب یه سری مسائل عنوان میکنن حالا پرسش و پاسخ الان تو جامعه امروزی این متن کتاب جواب نمیده ما بایستی در زمینه های عملی و حل مشکلات بچه ها که تو این زمینه مشکل دارند اینها بایستی بررسی بشه و این مشکلات رو برطرف بکنیم و خیلی از بچه های ما سر کلاس تونستن همین اون جبهه گیری که نسبت به مسائل دینی داشتن ما تونستیم از طریق پرسش و پاسخی که تو کلاس برای بچه ها عنوان می کنیم اینها رو برطرف بکنیم" بنابراین ابر اساس مصاحبه های صورت گرفته، می تواند گفت که یکی از مضامین و شاخص های مورد نیاز تربیت دینی مطلوب، بکارگیری روش های یاددهی یادگیری تعاملی و گفتگو محور است.

بسترسازی محیطی / خانوادگی برای تربیت دینی

یکی دیگر از مضامین مهم احصاء شده از مصاحبه ها برای تربیت دینی مطلوب، بسترسازی محیطی / خانوادگی برای تربیت

یکی از مضامین اصلی مد نظر مشارکت کنند برای توسعه و شکل گیری الگوی مطلوب تربیت دینی، بسترسازی محیطی/ خانوادگی برای تربیت دینی است.

الگوسازی و توسعه حرفه ای معلمان

یکی دیگر از مضامین مهم مد نظر مشارکت کنندگان برای الگوی مطلوب تربیت دینی، الگوسازی و توسعه حرفه ای معلمان بود. در همین زمینه یکی از مشارکت کنندگان در مورد اهمیت الگوی معلمی و تاثیر آن بر یادگیرندگان می گوید: "پسر من میگه که کاش معلم شیمی مون، معلم دینی مون بود. انقدر بلده تدریس بکنه و انقدر خوب رفتار میکنه که تو میتونی باهاش ارتباط بگیری". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "جدا از تمام بحث های که من کردم بحث عقلانیت و قشری نبودن و همه اینها یک مورد که من تجربه شخصی خودم دارم معلمی در آموزش و پرورش و خیلی بهش باور دارم حتی بیشتر از تمام بحث ارتباط موثر با دانش آموز، یعنی اینکه معلم و دانش آموز بتونن با هم یک ارتباط نزدیک در حد حرفه ای داشته باشند در حدی که نه مرزهای معلم و دانش آموزی شکسته بشه نه اینکه خیلی بخواد فاصله باشه مثلاً اینکه معلم حواسش به حال دانش آموز در کلاس درس باشه و بتونه باهاش ارتباط برقرار کنه و حتی بتونه درد دل کنه. همون ارتباط موثر خودش یک سری مفاهیم تربیتی رو یاد بده و یکی دیگر از مسائلی که من خیلی برام مهمه اینه که معلم در درجه اول اصلاً معلم نه هر انسانی در درجه اول باید خودش رو بسازه خودش رو باید یک شکلی بکنه که وقتی دانش آموز بهش نگاه میکنه بگه من میخوام این شکلی باشم همه چیز حرف زدن نیست همه چیز صحبت بچه ها گوششون پره از نصیحت و حرف ها و جملات قشنگ قشنگی که تو همین فضای مجازی هست و همه می خونن و به به میگن و دوروز دیگه یادشون میره به نظر من یک معلم باید بتونه حالا یک معلم یک دولت مرد یک مدیر یک موافق هر کسی یک روحانی باید یک جوری در جهان زندگی کنه خودش و خودش جوری میکنه که وقتی در کلاس درس در محیط جامعه حضور پیدا میکنه این آدمیه که نماینده اون مفهوم دین این نماینده مفهوم اخلاقه من میخوام این شکلی باشم یعنی بگه من میخوام این آدم باشم بگه که این برای من جذابه متأسفانه الگوسازی من معلم دینی یک مدلی رفتار می کنم یک مدلی حرف میزنم که بچه ها رو از دین زده میکنم بنابراین خیلی مهمه که ما در درجه اول رو خودمون کار کنیم به قولی فیلسوفان هم میگن دیگه خودت رو درست کن جهان درست میشه اگر هر انسانی از خودش شروع کنه میبینه که به تدریج تمام مشکلات میفهمند که بله این آدمی که درسته این آدمیه

که خودش اخلاقی و چون خودش اخلاقی می ارزه مسیری که میگه رو بریم". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: در دین این که من اصلاً مهم نیستم مهم این که به نتیجه میرسه حالا یجاهاایی من کم بیارم اشکال نداره پیامبرم که میخواست دین رو بگه با دل های مردم درمیان گذاشت".

یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "به نظر من اصلاً تو زمینه های عملی بچه ها باید باهاشون کار بکنیم من خودم کلاس های دارم یه ربع ۲۰ دقیقه اختصاص میدم به صحبت کردن با بچه ها، مشکلاتی بچه ها با خانواده ها تو زمینه های دینی دارند تا اونجایی که در توانم باشه مثلاً با بچه ها صحبت میکنم و آنها را با مسائلی که بالاخره همه باید تا در حد توان انجام بدن آشنا میکنم". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "به نظر من هر معلمی حتی اتفاقاً مصرانه میگم معلم هایی که رشته هاشون مرتبط به دینی نیست معلم مثلاً ریاضی، معلم فیزیک، معلم زیست، معلم تاریخ به نظر من این معلم در وهله اول خیلی تاثیر حرف هاش و نگرش دینیش میتونه بیشتر تحت تاثیر واقع بده دانش آموز تا من معلم دینی که کارم این وقتی که یک معلم میاد توی کلاسش مفاهیم درسی خودش رو با عقل و استدلال مثلاً مفاهیم ریاضی مفاهیم زیست مفاهیم شیمی اینها رو در انتهای کلاس یا در ابتدای کلاس پنج دقیقه زمان واقعا پنج دقیقه زمان چیزی نیست که یک معلم نتونه برایش برنامه ریزی داشته باشه یک جوری به مسئله هستی به مسئله خداوند به مسئله اینها ارتباط بده به نظر من واقعا تا حد زیادی به سیستم تربیتی ما کمک خواهد کرد". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "جامعه اصلاً من معلم به عنوان کسی که معلم باید پیام توی صحنه باید من هم وارد اینستاگرام بشم گذشت اون دوره که بیخیال بشیم. الان مشکل ما اینه که کسی هم که مثلاً سرش به تنش می ارزه میگه آقا من وارد فضای مجازی نمیشم کاری ندارم با این نظریه مخالفم تو اگر سرت به تنت می ارزه کمترین وظیفه اینه که باید بیای تو فضای مجازی مثل اینه که فضای مجازی الان شده شبیه خیابان های شهر مثلاً مثل اینه که بگی آقا من آدم خوبیم نیام تو خیابونای شهر گرد ش به من نگیره نمیشه باید بیای تو فضای مجازی چون الان یک دنیای واقعی در کنار یک دنیای مجازی داره پیش میره همزمان با هم و حتی تاثیر اون بسیار بیشتر از دنیای واقعی شده بنابراین تو باید به عنوان کسی که سرت به تنت میارزه عقیده داری نمیدونم باور داری آدم حسابی هستی فکر می کنی متخصصی باید بیای تو فضای مجازی باید یک الگویی واسه خودت بچینی و یک فضایی ایجاد کنی که یک خوراک مناسب خلاقانه به فرد به دانش آموزت بدی حالا من به عنوان معلم میام یک پیچی میزنم اصلاً هم ادعای تو

شکلی ان بچه های خیلی خوب و سر به راه اند درس خواندن بی دوسرین ولی این شکلیه". یکی دیگر از مشارکت کنندگان نیز در همین زمینه می گوید: "شیوه اجراشون شیوه اجرایی درستی عمدتاً نیست خود ارزشیابی از درس دینی ارزشیابی اشتباهیه و اینکه روی در واقع اینکه اهمیت این دین برای سلامت فردیش این را متأسفانه مطرح نمیکنیم که باید اتفاقاً روش مانور بدیم". یکی دیگر از مشارکت کنندگان نیز می گوید: "ضمن این که در ارزشیابی ما سه تا حوزه اصلی یادگیری دانش یعنی همون اطلاعات و باورها و عمل بدونیم اساساً نمونه بارزش تو کنکور اصلاً براش مهم نیس طرف نماز میخونه یا نمیخونه به خدا پیغمبر اعتقاد داره یا نه فقط اینه که مطالبی که تو کتاب دینی دوره متوسط اومده درست بزنه در صورتی که اصل اینه که تو اون ارزیابی بایستی در واقع عمل کردن به اون در واقع مقولات مهم باشه". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "باور برداشته شده درس های عمومی برای کنکور برداشتی درستی وجود داره مثلاً من برای زبان انگلیسی یا حتی زبان عربی من باید اینقدر بلد باشم این رو خب این چقدر خوب کار من تاثیر دارد حتی زبان فارسی بلدم دیگه حالا یکم بهتر بلد باشم خوبه سرنوشت شغلی من وابسته به اینه، به درستی هم باید تاثیرش برداشته میشد". بنابراین از متن مصاحبه مشارکت کنندگان پژوهش بر می آید که یکی از مضامین مد نظر مشارکت کنندگان برای الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی، برجسته سازی ارزیابی عملکردی/عاطفی در برنامه درسی تربیت دینی است.

متناسب سازی برنامه درسی با یادگیرندگان نسل زد

یکی دیگر از مضامین مهم احصاء شده از متن مصاحبه ها برای توسعه تربیت دینی، متناسب سازی برنامه درسی با یادگیرندگان نسل زد بود. برای بسیاری از مشارکت کنندگان، باید برنامه درسی را متناسب با نسل زد و آلفا تدوین کرد تا بتوان آنچه متناسب با دین باوری است را در ظرف نسل جدید ارائه داد. در همین زمینه یکی از مشارکت کنندگان می گوید: "در بحث راهبردها هم یه چیزی نوید بخشی تو نسل جدید دیدم به این سمت حرکت می کنن به سمت زندگی سالم زندگی سالم علمی که یه زمانی بود مثلاً توی رسانه های اجتماعی پسرهایی باحال بودن که گل بکشن سیگار بکشن نمیدونم، الان نه حتی در ظاهر نمونه اشو بگم بهتون دانشجوهای تربیت بدنی مون همین حرف عین حرف شما رو زدم گفت نسل جدید الان همشون دارن میرن به سمت ورزش آره ورزش. سیری ورزش های عمومی که میتونه رنگ و بوی دینی داشته باشه برای بهداشت و سلامت هم که مورد تاکید دین هست مطرح میشه". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "مثل خود همین بچه های نسل

اون پیچ ندارم که آقا من میخوام مثلاً به شما چیزی آموزش بدم به دانش آموز میگم اصلاً شخصی منه تو اینستاگرام داری این آدرس من و من تو اون پیچ نمایم حرف های دینی رو بگم در لابلای زندگی شخصی خودم مفاهیم فلسفی و ذهنی خودم رو میگم که دانش آموز میخونه این دیدگاه هم قشنگه ها میشه به زندگی اینجوری فکر کرد میشه به این داستان اینجوری فکر کرد مفهوم دینی لزوماً مفهوم حجاب و نماز و روزه و اینها نیست". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: "گاهی اوقات مفهوم خوب زندگی کردن خوب زندگی کردنو من معلم می تونم تو لابلای زندگی شخصی خودم یه جوری متن بنویسم یک جوری حرف بزنم که دانش آموز من بگه خانم امروز به این زندگی به اینجای زندگیش اینجوری نگاه کرد لازم نیست زندگی شخصی وایرال کنیم اما میتونیم که در چهارچوب اخلاقی خودمون و حرفه ای خودمون این تاثیر رو به دانش آموز بدیم همونجوری که وقتی ما دانش آموز بودیم خاطرات شخصی معلما برای ما خیلی جذاب بود و ما خیلی بیشتر ازش استفاده میکردیم شاید این پیچ شخصی براشون خیلی جذاب تر باشه و بگن که خب این معلم محبوب منه من بیام به زندگیش نگاه کنم به دیدگاهش نگاه کنم و اون دیدگاه ها که فارغ از مفاهیم دینی هست بتونه راهنمایی کنه به یک تاثیر مثبت از نظر تربیتی تو اون بچه بزاره". بنابراین بر اساس نظر مشارکت کنندگان پژوهش یکی از استراتژی های ضروری برای شکل گیری تربیت دینی مطلوب، الگوسازی و توسعه حرفه ای معلمان است.

برجسته سازی ارزیابی عملکردی/عاطفی در برنامه

درسی تربیت دینی

یکی دیگر از مضامین مهم احصاء شده از متن مصاحبه ها، در مورد شکل گیری الگوی مطلوب تربیت دینی، برجسته سازی ارزیابی عملکردی/عاطفی در برنامه درسی تربیت دینی بود. از منظر مشارکت کنندگان پژوهش برای توسعه تربیت دینی باید به جای تاکید بر حفظ دانش های سطحی به درونی سازی و تغییر رفتار توجه شود. در همین زمینه یکی از مشارکت کنندگان می گوید: "باید توجه به درونی سازی دین کنیم نه اینکه بگیم آقا بیا برو اینا رو مثلاً حفظ کن بنویس فلان که فایده نداره که فرد به این باور نمیرسه که ببین مثلاً اطلاعات رو الان شما عرض کردم بهترین نمونه اش همین بود فردی از اول ابتدایی تا سال دوازدهم یعنی نزدیک به چند سال ۱۲ سال دینی خونده دیگه اونجا باید قاعداً دیگه باید دیندار شده باشه دیگه بعد این فرد میاد میره ۱۰۰٪ هم دینی رو میزنه ولی زیر ۲۰ درصد زیر ۳۰٪ این افرادی که در عمل نماز میخونه یا باور داشته باشه یعنی درونی نشده تازه اینا جز بهترینها هستن. بچه هایی که این

زد که می‌گیم آقا اینا به هویت خاصی دارند ما مجبوریم یعنی اگه مثلاً این بچه ها بچه های دهه ۴۰ بودن دغدغه نداشتیم که چه جوری به شکل متفاوتی باهاشون مواجه بشیم ولی الان ما بچه‌های با هویت متفاوت داریم مجبوریم اونجوری که در واقع مناسب هست باهاشون برخورد کنیم فضای مجازی هم چیزی که وجود داره ما نمی‌تونیم حذفش بکنیم". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می‌گوید: "یکی از پنج تا وجه سلامت سلامت معنوی یعنی شما از نظر معنوی هم باید به جنبه‌هایی داشته باشی تا رشدت بده این کار رو در واقع خیلی به نظرم کانال بهش بدن به مسیر براش فراهم بکنند زمینه خیلی خوبه رو نسل جدید الان به دانشجو داشتن خیلی گوشه گیر بود میگفت من خانواده ام مذهبی بودن خودم کامل بیرون شده بودم نزدیک به ۱۰ سال از نوجوانی تا الان، الان آگاهانه با تحقیق الان مذهبی ام گفتم برای چی بالاخره تو رفتی جذابیتش خیلی بیشتره گفت بیشتره این جذابیتش کمتره ولی من رفتم پی به پوچی اون ور بردم و اینور انتخاب کردم با آگاهی کامل رفتم دیدم که اونا هیچ خبری نیست و برگشت داشتیم". یکی دیگر از مشارکت کنندگان می‌گوید: "فرض بکن شما الان در این حوزه اگر بخواید کار بکنید واقعا باید از یک مشاور کامل باشه یک مشاور یا روانشناس کامل باشی کوچکترین نقطه ضعفی اگر شما نمی‌تونن با تنبیه به حساب تنبیه که ممنوعه اصلاً نمی‌تونن این کارو بکنی". بنابراین یکی از مضامینی که از نظر مشارکت کنندگان در توسعه الگوی تربیت دینی باید مد نظر قرار گیرد، متناسب سازی برنامه درسی با یادگیرندگان نسل زد.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی شاخص‌های الگوی مطلوب تربیت دینی نوجوانان (۱۴ تا ۱۸ سال) از منظر تجربیات زیسته ذی‌نفعان کلیدی (متخصصان، معلمان، والدین و خود نوجوانان) با رویکرد پدیدارشناختی تفسیری بود. این مطالعه با پر کردن شکاف موجود در پیشینه آسیب‌شناختی، به شناسایی شش مضمون سازمان‌دهنده اصلی پرداخت: اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی دینی متناسب با شرایط روز، بکارگیری روش‌های یاددهی-یادگیری تعاملی و گفتگو محور، بسترسازی محیطی/خانوادگی، الگوسازی و توسعه حرفه‌ای معلمان، برجسته‌سازی ارزیابی عملکردی/عاطفی، و متناسب‌سازی برنامه درسی با یادگیرندگان نسل زد. یافته‌ها نشان می‌دهند که الگوی مطلوب تربیت دینی باید پویا، زمینه‌مند، عقلانی و مبتنی بر عاملیت نوجوانان باشد تا ایمان تقلیدی را به ایمان تأملی و مقاوم تبدیل کند. این نتایج حاکی از آن است که تربیت دینی مؤثر در شرایط معاصر ایران نیازمند گذار از رویکردهای سنتی

خشک و احکام‌محور به مدل‌های تعاملی، عملی و نسل‌محور است که نوجوان را در مواجهه با بحران هویت، رسانه‌های دیجیتال و کثرت‌گرایی فرهنگی توانمند می‌سازد. در نهایت، این الگو نه تنها به تقویت هویت دینی سالم و تاب‌آوری معنوی کمک می‌کند، بلکه زمینه انسجام اجتماعی و فرهنگی جامعه را فراهم می‌آورد.

نتایج پژوهش حاضر با مطالعات پیشین معرفی شده در مقدمه همسویی و ناهم‌سویی معناداری نشان می‌دهد. از یک سو، کاملاً با یافته‌های آسیب‌شناختی همخوانی دارد؛ Yūsufi et al (2024) و Khodākaramifard & Khademi (2025) بر عدم تناسب محتوای درسی با نیازهای رشدی، تأثیر منفی رسانه‌ها و ضعف بصیرت انتقادی تأکید کرده‌اند که دقیقاً در مضمون «اصلاح برنامه‌های درسی» و «روش‌های تعاملی» این پژوهش بازتاب یافته است. (Kāvīānī & Nūrūzī (2019 نیز تضاد ارزش‌های خانه و مدرسه و ضعف الگوسازی خانوادگی را برجسته کردند که با مضمون «بسترسازی محیطی/خانوادگی» همسو است. (Shamshīrī et al (2021 و Ebrahimi Kiapey & Amerian (2020 بر تمرکز پیشینه بر آسیب‌شناسی به جای الگومحوری اشاره داشتند که پژوهش حاضر این خلأ را پر کرده است. از سوی دیگر، ناهم‌سویی در جهت‌گیری مثبت‌گرا و عملی است؛ در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً توصیف مشکلات بودند، این پژوهش شاخص‌های عملی و بومی استخراج کرد. این یافته‌ها با تأکید Bāqerī (2024) بر تربیت پویا و زمینه‌مند و نظریه Fowler (1981) مبنی بر نیاز به حمایت تربیتی در گذار به ایمان تأملی همخوانی عمیق دارد. همچنین، با سیمسک و همکاران (۲۰۱۹) که مواجهه نوجوانان مسلمان با مدرنیته را عامل تردید می‌دانند، همسو است اما راهکارهای عملی بومی ارائه می‌دهد. در مجموع، پژوهش حاضر از آسیب‌شناسی به سوی پیشنهاد الگوی جامع حرکت کرده و پیشینه را تکمیل می‌نماید.

یکی از کلیدی‌ترین یافته‌های پژوهش، ضرورت اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی دینی متناسب با شرایط روز و بکارگیری روش‌های یاددهی-یادگیری تعاملی و گفتگو محور بود. مشارکت‌کنندگان بر فاصله محتوای فعلی از زندگی واقعی نوجوانان، خشک بودن احکام‌محور و عدم اقناع در برابر چالش‌های فضای مجازی تأکید داشتند و پیشنهاد کردند که برنامه‌ها مسئله‌محور، فعالیت‌محور و عقلانی شوند. این یافته مستقیماً با نقد Bāqerī (2024) بر رویکردهای سنتی همخوانی دارد که تربیت دینی را فرآیندی پویا و مبتنی بر «تقوای حضور» (حضور فعال در موقعیت‌های واقعی) می‌داند نه تقوای پرهیز. Bāqerī (2023) نیز در نظریه عاملیت انسانی، انسان را عامل

نقش مربیان را در تسهیل گذار به ایمان تأملی حیاتی می‌داند. بنابراین، این مضامین نشان می‌دهند که تربیت دینی بدون بسترسازی خانوادگی-اجتماعی و الگوهای زنده معلمان، مؤثر نخواهد بود و باید از رویکرد فردمحور به مدل شبکه‌ای و زمینه‌مند تغییر کند.

برجسته‌سازی ارزیابی عملکردی/عاطفی و متناسب‌سازی برنامه درسی با یادگیرندگان نسل زد، دو مضمون پایانی که بر جنبه عملی و نسل‌محور الگو تأکید دارند. مشارکت‌کنندگان بر لزوم درونی‌سازی دین به جای حفظیات کنکوری، توجه به رفتار و اخلاق عملی، و تطبیق محتوا با ویژگی‌های نسل زد (کنشگری، هویت مدرن، فضای مجازی) اصرار داشتند. این یافته‌ها با هشدار Khodākaramifard & Khademi (2025) مبنی بر نیاز به تقویت بصیرت انتقادی و تاب‌آوری در برابر اضطراب معنوی همخوانی دارد. باقری (۱۴۰۳) با نقد رویکردهای سنتی، بر تعادل بین دانش، پرورش درونی و اخلاق عملی تأکید می‌کند که ارزیابی عملکردی دقیقاً این تعادل را ایجاد می‌نماید. Simsek et al (2019) مواجهه نوجوانان مسلمان با مدرنیته را عامل گذار از ایمان تقلیدی به تردید دانستند که متناسب‌سازی با نسل زد این چالش را مدیریت می‌کند. (Yūsufi et al (2024 نیز بر کاهش انگیزه دینی به دلیل عدم تناسب با نیازهای واقعی اشاره کردند. Fowler (1981) نوجوانی را دوره نقد باورها و نیاز به ایمان شخصی‌سازی شده می‌داند که برنامه‌های جذاب، غیرانتزاعی و مرتبط با هویت جدید دقیقاً این نیاز را پاسخ می‌دهد. در مجموع، این مضامین الگو را به سمت تربیت عملی، عاطفی و نسل‌محور هدایت می‌کنند تا هویت دینی سالم و مقاوم شکل گیرد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌های روبرو بود که بر اعتبار درونی و بیرونی آن تأثیر گذاشته است. نخست، نمونه‌گیری ملاکی و محدود به شهر قزوین باعث کاهش قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها به سایر مناطق فرهنگی-اجتماعی ایران شده است. دوم، ماهیت کیفی و پدیدارشناختی مطالعه، وابستگی زیاد به گزارش‌های خودگزارشی شرکت‌کنندگان را به همراه داشت که ممکن است تحت تأثیر سوگیری اجتماعی یا حافظه انتخابی باشد. سوم، تمرکز بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بدون مشاهده طولانی‌مدت یا داده‌های کمی مکمل، عمق یافته‌ها را افزایش داد اما امکان تعمیم آماری و مقایسه دقیق را محدود کرد. چهارم، انجام پژوهش در سال ۱۴۰۳ ممکن است تحت تأثیر شرایط زمانی خاص (مانند تحولات رسانه‌ای یا آموزشی) قرار گرفته باشد. بر اساس این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) و نمونه‌گیری گسترده‌تر در استان‌های مختلف انجام شود. مطالعات طولی برای بررسی پایداری شاخص‌ها در طول زمان،

پویا در موقعیت‌های زندگی می‌بیند که باید عاملیت خود را در مسیر الهی به کار گیرد؛ بنابراین محتوای درسی باید نوجوان را به تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری اخلاقی در دنیای واقعی دعوت کند. این امر با نظریه مراحل ایمان (Fowler (1981 نیز سازگار است که نوجوانی را دوره گذار از ایمان متعارف مبتنی بر اقتدار و همسالان به ایمان تأملی و شخصی‌سازی شده توصیف می‌کند. فاولر تأکید دارد که این گذار نیازمند حمایت تربیتی است تا تفکر انتزاعی و نقد باورها به ایمان عمیق‌تر منجر شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که روش‌های گفتگو محور، پرسشگری و استفاده از رسانه‌های جدید دقیقاً این حمایت را فراهم می‌کنند. (Yūsufi et al (2024 نیز بر عدم تناسب محتوا با نیازهای رشدی و تأثیر رسانه‌ها اشاره کردند که پژوهش حاضر با پیشنهاد محتوای مرتبط با مهارت‌های زندگی و داستان‌های واقعی پاسخ داده است. (Dāvūdī & A'rāfi (2014 تربیت دینی اسلامی را فراتر از انتقال دانش، شامل التزام عملی و بصیرت معنوی می‌دانند که با تأکید بر روش‌های تعاملی و فعالیت‌محور محقق می‌شود. در نهایت، این دو مضمون نشان‌دهنده نیاز به تغییر رویکرد آموزشی از تلقین به تعامل عقلانی است تا نوجوان در بحران هویت مقاوم شود و ایمان تقلیدی به ایمان پویا تبدیل گردد.

مضامین بسترسازی محیطی/خانوادگی برای تربیت دینی و الگوسازی و توسعه حرفه‌ای معلمان، بعد زمینه‌ای و انسانی الگوی مطلوب را برجسته می‌کنند. مشارکت‌کنندگان بر ضرورت آگاهی‌بخشی والدین، هماهنگی نهادها، استفاده از رسانه‌های نوین و مشارکت مردمی تأکید داشتند و معلمان را به عنوان الگوهای زنده با شایستگی حرفه‌ای، ارتباط صمیمانه و حضور فعال در فضای مجازی معرفی کردند. این یافته‌ها با تأکید (Kāvīānī & Nūrūzī (2019 بر تضاد ارزش‌های خانه و مدرسه و ضعف الگوسازی خانوادگی کاملاً همخوانی دارد. (Khodākaramifard & Khademi (2025 نیز عوامل اجتماعی مانند همدلی با همسالان سکولار و فضای مجازی را عامل کاهش گرایش دینی دانستند که بسترسازی محیطی دقیقاً این خلأ را پر می‌کند. باقری (۱۴۰۱) در چارچوب عاملیت انسانی، تربیت را فرآیندی تعاملی بین مربی و متربی می‌بیند که نیازمند زمینه‌های واقعی و حمایت اجتماعی است. الگوسازی معلمان نیز با دیدگاه (Dāvūdī & A'rāfi (2016 مبنی بر پرورش شخصیت دینی از طریق التزام عملی و اخلاق همسو است. (Shamshiri & Zarei (2021 در آسیب‌شناسی خود، ضعف معلمان در الگوسازی و دانش روان‌شناختی را برجسته کردند که پژوهش حاضر با پیشنهاد توسعه حرفه‌ای و تقویت منش اخلاقی معلمان پاسخ داده است. (Fowler (1981 نیز

پژوهش‌های مقایسه‌ای بین نسل‌ها یا مناطق شهری-روستایی، و تحقیقات مداخله‌ای برای آزمون عملی الگوی پیشنهادی توصیه می‌گردد.

بر اساس شاخص‌های الگوی مطلوب تربیت دینی استخراج‌شده، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش باید هرچه سریع‌تر کتاب‌های درس دین و زندگی را بازنگری کند و محتوای مسئله‌محور، داستان‌محور، مرتبط با مهارت‌های زندگی واقعی و چالش‌های روزمره نوجوانان را جایگزین رویکرد خشک و احکام‌محور نماید تا برنامه درسی با نیازهای رشدی و شرایط فرهنگی-اجتماعی معاصر همخوانی یابد. دوره‌های ضمن خدمت معلمان پرورشی و دینی باید با تمرکز بر روش‌های گفتگو‌محور، پرسشگری انتقادی، استفاده از رسانه‌های دیجیتال و تعامل فعال طراحی و اجرا شود تا معلمان بتوانند الگویی زنده و مؤثر باشند و ارتباط صمیمانه و حرفه‌ای با دانش‌آموزان برقرار کنند. برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی ویژه والدین از طریق انجمن اولیا و مربیان، رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی اجرا گردد تا خانواده‌ها در بسترسازی محیطی حمایتی نقش فعال‌تری ایفا کنند و هماهنگی بین نهادهای مدرسه، خانواده و جامعه تقویت شود. نظام ارزشیابی درس‌های دینی به سمت ارزیابی عملکردی، عاطفی و عملی تغییر کند، وزن کنکوری آن کاهش یابد و تمرکز بر درونی‌سازی ارزش‌ها، رفتار اخلاقی و التزام عملی به جای حفظ دانش‌های سطحی قرار گیرد. برنامه‌های فوق‌برنامه جذاب و متناسب با ویژگی‌های نسل زد شامل فعالیت‌های کنشگرانه در فضای مجازی، برنامه‌های سلامت معنوی، ورزش‌های مرتبط با آموزه‌های دینی و پروژه‌های عملی زندگی‌محور در مدارس توسعه یابد تا نوجوانان با هویت مدرن خود درگیر مطالب دینی شوند و تربیت دینی پویا، مقاوم و پایدار شکل گیرد.

موازن اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: تمامی اصول اخلاقی در این مطالعه رعایت شده است. از افراد شرکت‌کننده در مطالعه، رضایت آگاهانه برای شرکت گرفته شد و این اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات مورد استفاده قرار خواهند گرفت و صرفاً برای امور پژوهشی استفاده می‌شوند. این پژوهش بدون حمایت مالی خاصی انجام شده است. مؤسسه، سازمان یا حامی مالی مطالعه وجود ندارد.

سهم نویسندگان

همه نویسندگان سهم یکسانی در تهیه پیش‌نویس، بازبینی و اصلاح مقاله داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش (متخصصان، معلمان، والدین و نوجوانان) که صمیمانه ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

بر اساس اظهار نویسندگان، در این مقاله تعارض منافع وجود ندارد.

واژه نامه

- | | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| 1. Synthetic-Conventional Faith | ۱. متعارف مبتنی بر نهاد و اقتدار |
| 2. Individuative-Reflective Faith | ۲. شخصی‌سازی شده |
| 3. Credibility | ۳. اعتبار |
| 4. Confirmability | ۴. تأییدپذیری |
| 5. Dependability | ۵. اطمینان‌پذیری |
| 6. Transferability | ۶. قابلیت انتقال‌پذیری |
| 7. member checking | ۷. چک کردن عضو |

منابع فارسی

افضلی، ح. (۱۴۰۳). آموزش مفاهیم دینی و تأثیر آن بر بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. اولین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم تربیتی

باقری، خ. (۱۴۰۳). نگاهی تازه به دین و دینداری. انتشارات واکاویش ابراهیمی‌کیایی، ه. و عامریان، ف. (۱۳۹۹). چالش‌ها و موانع آموزش دینی نسل چهارم انقلاب اسلامی در گام دوم و راهبردهای مقابله با آنها با تأکید بر بیانات رهبری. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۷(۳)، ۱۰۵-۱۲۶

حاج حسینی، م.، ناییب آستانه، س. و چراغ‌ملایی، ل. (۱۴۰۳). تحلیل تجربه نوجوانی در ساخت هویت دینی در میان دختران روانشناسی فرهنگی، ۱۸(۱)، ۲۴۶-۲۷۱

حاجی‌باباییان امیری، م. (۱۴۰۰). روش‌های عملی تربیت اخلاقی در اسلام (با تأکید بر نوجوانی و جوانی). تهران: انتشارات سروش.

کاویانی، س. و نوروزی، ر. ا. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی تربیت دینی در حوزه فردی از منظر نهج‌البلاغه. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷(۴۲)، ۵-۲۶

خداکریمی‌فرد، م. و خادمی، م. (۱۴۰۳). مطالعه کیفی تحول دینداری در نوجوانی بر اساس نظام رشد قرآن. روانشناسی قرآن، انتشار آنلاین پیش‌ازچاپ

- 17(3), 105–126. <http://qjfr.ir/article-1-1599-fa.html>. [Persian]
- Fowler, J. W. (1981). Stages of faith the psychology of human development and the quest for meaning. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2094687>
- Hāj Hosseini, M., Nāyebi Āstāneh, S., & Cherāgh Malāyi, L. (2024). Analysis of the experience of adolescence in constructing religious identity among girls. *Cultural Psychology*, 8(1), 246–271. https://jcp.samt.ac.ir/article_203661.html. [Persian]
- Hajibabaiān Amiri, M. (2021). Practical Methods of Moral Education in Islam (with Emphasis on Adolescence and Youth). Tehran: Soroush Publications. [Persian]
- Jackson, S., & Goossens, L. (2020). Handbook of adolescent development. Psychology Press
- Kāviānī, S., & Nūrūzī, R. A. (2019). Pathology of religious education in the individual domain from the perspective of Nahj al-Balagha. *Research in Islamic Education Issues*, 27(42), 5–26. <https://www.taylorfrancis.com/books/edit/10.4324/9780203969861/handbook-adolescent-development-sandy-jackson-luc-goossens>. [Persian]
- Khodākaramifard, M., & Khademi, M. (2025). A qualitative study of religiosity transformation in adolescence based on the Quranic growth system. *Quran and Psychology*, Advance online publication. https://iej.ihu.ac.ir/article_204533.html. [Persian]
- Lincoln, Y. (1985). Lincoln and guba's evaluative criteria. Robert Wood Johnson Foundation. In.
- Nīrūmand, Z., Mohibbī, A., & Vakīlī, N. (2021). Examining the goals of religious education for adolescents with an approach to vitality. *Research in Islamic Education Issues*, 28(49), 155–179. <https://sid.ir/paper/400342/fa>. [Persian]
- Nowzarī, M. (2024). A model of religious education from birth to 3 years old. *Scientific Quarterly of Islamic Education*, 19(48), 55–80. https://islamicedu.rihu.ac.ir/article_2171.html. [Persian]
- Rahbar, M. T., & Rahīmīyān, M. H. (2014). Ethics and Islamic education. SAMT Organization.
- نیرومند، ز.، محبی، ع.، و وکیل، ن. (۱۴۰۰). بررسی اهداف تربیت دینی نوجوانان با رویکرد شادابی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸(۴۹)، ۱۵۵–۱۷۹
- نوزری، م. (۱۴۰۳). الگوی تربیت دینی از تولد تا ۳ سالگی. فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۸۰–۸۵.
- صمدی، م. (۱۴۰۱). (شناسایی ظرفیت‌های مغفول‌مانده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به روش فراترکیب. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۲(۴۳)، ۸۰–۱۰۷.
- راهبار، م. ت.، و رحیمیان، م. ح. (۱۳۹۳). (اخلاق و تربیت اسلامی. سازمان سمت
- شمشیری، ب.، شیروانی شیری، ع.، و زارعی، ل. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه (از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۱)، ۲۳۳–۲۵۱.
- یوسفی، ز.، داعقیان، ف.، ملکی‌پور، م.، و شهیازی، ع. (۱۴۰۳). مطالعه کیفی علل طردشدگی دینی نوجوانان پسر در خانواده‌های مذهبی. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۲(۲۷)، ۳۷–۶۵

فهرست منابع

- Afzali, H. (2025). Teaching religious concepts and its impact on improving students' social skills. The First International Conference on Novel Scientific and Research Achievements in Education. <https://civilica.com/doc/2342435>. [Persian]
- Bāqerī, K. (2023). Education in the horizon of human agency. Vākāvesh Publications. <https://www.iranketab.ir/book/176183-tarbiat>. [Persian]
- Bāqerī, K. (2024). A fresh look at religion and religiosity. Vākāvesh Publications. <https://www.iranketab.ir/book/176220-religiousness>. [Persian]
- Berger, K. S. (2024). The Developing person through childhood and adolescence. Worth Publishers. <https://www.amazon.com/Developing-Person-through-Childhood-Adolescence/dp/1429243511>
- Dāvūdī, M., & A'rāfī, A. (2014). Religious education. Research Institute of Hawza and University Publications. <https://shop.rihu.ac.ir/product/detail/827>
- Ebrahimi Kiapey, H., & Amerian, F. (2020). Challenges and obstacles to religious education of the fourth generation of the Islamic Revolution in the second step and media confrontation strategies with emphasis on the Leader's statements. *Quarterly Journal of Family and Research*,

- <https://doi.org/10.1093/019518095X.001.0001>
- Smith, R., & Smith, L. (2018). Qualitative methods. In *Research methods in human rights*.
<https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315672632-5/qualitative-methods-rhona-smith-lorna-smith>
- Tolibdjanovna, A. Z. (2024). Psychological factors in the manifestation of aggressive behavior in adolescence. *Ijtimoiy fanlarda innovasiya onlayn ilmiy jurnali*, 4(2), 122–125.
<https://procediaonline.org/index.php/philosophy/article/view/714>
- Yūsufī, Z., Dāfe'iyān, F., Mālekīpūr, M. M., & Shahbāzī, A. (2024). A qualitative study of the causes of religious alienation among adolescent boys in religious families. *Educational Sciences from an Islamic Perspective*, 12(27), 37–65.
https://esi.isu.ac.ir/article_77492.html.
[Persian]
- <https://samta.samt.ac.ir/product/9952>
[Persian]
- Samadi, M. (2022). Identifying the Neglected Capacities in the Fundamental Change in Education Policy Document by Meta-synthesis Method. *Strategic Studies of public policy*, 12(43), 80-107.
10.22034/sspp.2022.545310.3102. [Persian]
- Sawyer, S. M., Azzopardi, P. S., Wickremarathne, D., & Patton, G. C. (2018). The age of adolescence. *Child & adolescent health*, 2(3), 223–228.
[https://doi.org/https://doi.org/10.1016/S2352-4642\(18\)30022-1](https://doi.org/https://doi.org/10.1016/S2352-4642(18)30022-1)
- Shamshīrī, B., Shīrvānī Shīrī, A., & Zāre'ī, L. (2021). Pathology of religious education in secondary school students (from the perspective of education experts, teachers, and students). *Research in Islamic Education Issues*, 29(51), 233–251.
https://iej.ihu.ac.ir/article_206559.html.
[Persian]
- Simsek, Z., Vaara, E., Paruchuri, S., Nadkarni, S., & Shaw, J. D. (2019). New ways of seeing big data. In (Vol. 62, pp. 971–978): *Academy of Management Briarcliff Manor*, NY.
- Smith, C., & Denton, M. L. (2005). *Soul Searching: The Religious and Spiritual Lives of American Teenagers*. OUP ISBN: 9780195180954.

